الی الشیخیة فانه یکفی فیها الولایة قال رسول الله علیه السلام
الان اولیاء الله لا یموتون ولکن ینتقلون من دار الی دار
و لم یقل الان انبیاء الله او رسل الله الی آخره اشارت
الا ما ذکرنا تامل تمت هذه الرسالة الشریفة لله الحمد والمنة

۸ هذه رسالة التوحید

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة علی رسوله
محمد و آله اجمعین من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین
اما بعد پس میگوید بنده ضعیف نحیف فقیر حقیر شیخ محمد بن
قطب الاولیاء شیخ الاتقیاء شیخ محمد چشتی بن احمد نصیر الدین
المشهور شیخ حسن محمد ابن میانجیو ابن نصیر الدین بن مجد الدین
بن سراج الدین بن کمال الدین المستفیض من خاله الحقیقی
الشیخ نصیر الدین محمود الاودهی چراغ دهلی ایده الله
اللطیف بلطفه الخفی والجلی این مشتمل است بر توحید ثلثه فصل
اول در بیان توحید عامه فصل دوم در بیان توحید خاص

رقم ۵

فصل سیوم در بیان توحید خاص الخاص فصل اول بدانکه توحید عامه
گفتن بزبان و اعتقاد کردن بدل که حق تعالی یکی است
و هیچ شریک وی را نیست نه در ذات وی نه در صفات وی نه در اسمای
وی و همه عالم مخلوق وی است اول نبود و پیدا کرده است
بکمال قدرت خود و اختیار خود و ارادت خود و نیست هیچ
چیز از مخلوقات از لوازم ذات وی بر همه عالم نعمتهای وی
جاری اند و شمردن وی ممکن نه و در ان هیچ کس شریک وی
نشود و نیز گفتن بزبان و اعتقاد کردن بدل که محمد علیه السلام
بنده وی است و رسول وی است و انچه گوید و کند بامر وی گوید
و کند و عمل این چه است ادای فرایض و واجبات
و موکدات و ترک محرمات و ایذا بکسی ندهد و اگر کسی ایذا رساند
این صبر را دهد بحسب شرع و اگر این عمل کند اعتقاد برین باشد
خصوصا فی شان الفرایض فانه من انکر فرضیتها فهو مطرود
فصل دوم توحید خاص همین توحید عامه است با داشتن
که همه افعال و تصرف برای حق تعالی راست و هیچ کس در ان

نزدیک وی نیست فاعل نزد ایشان غیر حق تعالی نه و استقلال
در تصرف غیر حق تعالی را نه و اعمال ایشان چه همان عمل اول
بازیادتی نوافل بر نقل که باشد افضل او تکرار کلمه لا اله الا الله است
ادای آن دور کردن اذی از راه است و بازیادتی برداشتن
ایذا کردن مردمان ایشان را و ترک انتقام کردن از مردمان
ایذا کنندگان ایشان را افضل سیوم توحید خاص الخاص
همین دو توحید است باعتقاد کردن که نیست موجود در حقیقت
غیر حق تعالی و همه موجودات سایه وجود حق اند که آن وجود
مطلق است و از هیچ چیز طلب فایده نکند و همه چیز از وی
طلب فایده کنند و مستفید بوی باشند و همه عالم قایم بذات
وی است و بوجود وی است و معدوم بذات خود است
و نیست زیرا حقیقة و را حقیقة حق تعالی سبحانه حجاب نسبة
کردن بدریا و عکس روی یک را با تنها که مختلفه اند پس
ایمان آرند بر این که بهر ذره نور حق محیط است و ذات حق تعالی
مجرد است در وی نه عقل کار کند و نه فکر و نه فهم و نه وهم

دبز

ونیست مشابهت وی را باهیچ چیز نه در ذات ونه در صفات

ونه دل بهار و نیست برای عقل را مگر اثبات وجود وی بر وجه

مطلق اجمالی یا بعض تفاصیل که خالی اند از معرفت کنه

وی وایمان آرند برین که حق تعالی قایم بذات خود است

وقایم کننده است همه چیز را از غیر اتصال و انفصال و معاونت

ومساعدت و حلول واتحاد وایمان آرند برین که ارسال

رسل وانزال کتب حق است وتکلیف عبث نه واحیا واماته

وحشر نشر ثواب است وهمه افعال الله است وعمل ایشان

همین دو عمل است بازیا دتی استقامة فوق الکرامت

وبازیادتی احسان کردن برای موذی را بهر وجه که تواند

اقل اینست که دعا خیر برای وی کنند واین کار قطب است

غوث است بدان ای طالب این مرتبه توحید لبس اند

عاقل را اینکه داند خود را یا غیر را که کدامی رتبه است و بدان

ممکن است صاحب این توحید اغیر را در دفت از او فات

نادر کا المعدوم دعا علی الموذی کند حق سبحانه وتعالی

قبول نفرماید چنانچه دعا بر عتبه بن ابی وقاص کرد در باب
محمد علیه السلام دعا علیه السلام خون را از وجه مسح کردن
گرفت و گفت چگونه فلاح یابند قوم که خضاب کردن روی
نبی خویش که خون فرمان شد لیس لک من الامر شیئ
ممکن است که دعا نیک نیز قبول نفرماید چنانچه حضرت
علیه السلام در حق عم خود دعا خیر کرد فرمان شد انک لاتهدی
من احببت ولکن الله یهدی من یشاء ممکن است که حق سبحانه
وتعالی برای موذی صاحب این توحید را سزا دهد با عدم دعا
علیه چنانچه اگر کسی محبوب کسی را ایذا دهد اگرچه محبوب بخشد
و ممکن است بسبب بخشیدن محبوب محب نیز بخشد فی القدسی
من لدن العرش الی تحت الارضین کلهم یطلبون رضای
وانا اطلب رضاک یا محمد و ممکن است که نبخشد فی القدسی
من اذی لی ولیا فقد اذنته بالحرب بدان اگرچه این است
دعا چنین کند هرچند کسی ایذا دهد چنانچه حضرت علیه السلام
کردی بسبب درازی کتاب جهنه نیاوردم و اگرچه این است

که حق سبحانه و تعالی گفته چنین کس قبول فرما باید جنابحضرت
علیه السلام را بو ذظاهر است برهان حاجت لی لیس از چنین
عزیز خوف با یکدیگر و دعا جز ازوی باید کرد تمت
هذه الرساله بعد الحمد والمنه و هو الملهم للحق والصواب بلا شک و الارتیاب

۹ — هذه رسالة الطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

مفتاح خزینة الرب الکریم الحمد لله رب العالمین والعاقبة
للمتقین والصلوة علی رسوله محمد و آله اجمعین اما بعد پس میگوید
ضعیف نحیف فقیر حقیر شیخ محمد چشتی بن قطب الاولیا شیخ الاتقیا
محمد بن احمد ابن نصیر المعروف شیخ حسن محمد بن میان جیو
ابن ناصر الجشتی ایده الله اللطیف بلطفه الحقی والجلی این رساله
مشتملست بر سه الباب فما یذکر بها الا الو الالباب لب
اول طالب را باید که صرف همت خود در راه خدای تعالی
کند و لذات دنیاوی ترک کند بقدر امکان برین امید
که بر ما رحمت شود در دار آخرة و در بهشت بوم زحور و قصور